

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری

کانادا - ششم جولای 2011

از اشعار دوران دربدری در پاکستان

(دوبیتی ها و رباعیات)

(قسمت ششم)

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ 22 اپریل 2011 (صفحه 23 اپریل 2011) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معرفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران دربدری و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

خوشا ذوق سخن، شعرم شکر کرد
به گفتار محبت دیده تر کرد
رُموز اهل دل را کس نداند
عطای لطف حق در من اثر کرد

مرا عشق و جنون دیوانه کرده
که از هنگامه اش افسانه کرده
ندانی آخر عمرم چها شد؟
هزاران غم به قلبم خانه کرده

شام عمرم بی تو آمد زان که تنها گشته ام
مست بودم از وصال و غرق غمها گشته ام
می زدم منزل بسی در قسایق سودای تو
بحر بی پایان ببین و من که تنها گشته ام

هر زمان آن یار جانی یار ماست
بی وجودش کی جهان در کار ماست
بی پر و بی بالی لطیف! میبری
دیدن و نظاره ها اسرار ماست

ز پیش من جوانیها نکو رفت
جهان و آسمان و رنگ و بو رفت
نرفت از یاد دل بس جلوه هایش
که در بر کردنش جانم به او رفت

بس که مرا چشم نظر سوی توست
چشم نظر کشته گیسوی توست
نیست مرا هیچ هوس در جهان
جز هوس دیدن ابروی توست
